

نسبت ایزدان و انسان در اندیشه یونانی

عبدالرسول حسینی فر^۱، سجاد چیت فروش^۲

چکیده

رفتار و کنش انسان در هر دوره بطور مستقیم متأثر از نگاه هستی‌شناسانه و مبانی فکری و اعتقادی آن دوره می‌باشد؛ به طوری که برای فهم رفتار و کنش انسان و چرایی آن در یک دوره، باید به شناخت مبانی هستی‌شناسی و معرفتی آن دوره پرداخت. یکی از این مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه که در فهم رفتار و کنش انسان در هر دوره ضروری مینماید نوع نگاه به هستی و خداست که بطور مستقیم بر رفتار انسان در جامعه تأثیر دارد.

با توجه به ضرورت شناخت بین فرهنگی در دوره معاصر و تأثیر و رابطه عمیقی که بین یونانیان و ایرانیان وجود داشته است، شناخت مبانی فکری و رفتاری یونانیان میتواند در بررسی این رابطه فرهنگی نقش کلیدی داشته باشد. بر این اساس، نوشتار حاضر در جهت شناخت مبانی فکری و رفتاری یونانیان به بررسی نوع نگاه هستی‌شناسانه و مبانی فکری آنها و بطور خاص نگاه یونانیان به خدا و نفس و تأثیر این نوع نگاه در رفتار و کنش انسان یونانی پرداخته است و بر این مبنا

۱۰۳

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)؛ hasanifar@lihu.usb.ac.ir;

۲. استادیار گروه معارف سیاسی اسلام دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛ sajjadchitfroush65@yahoo.com;

تاریخ تأیید: ۹۷/۲/۹

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۸



سه اندیشمند دوره یونانی یعنی هومر، سقراط و افلاطون با روش تفسیری مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد نگاه یونانیان به خدا با تأثیر اندیشمندان هر دوره متفاوت بوده، بطوری که نگاه هومر، سقراط و افلاطون از جهتی از همدیگر قابل تفکیک است. در نگاه اسطوره‌ی هومری، خدایان بسان قهرمانان بشری دارای صفات انسانی و در معامله با انسان هستند، اما در نگاه سقراط، خدا موجودی است که بدنبال هدایت و راهنمایی انسانها بوده و از طریق دایمونها با مردم ارتباط دارد. در تفکر افلاطون که تکثر خدایان بسمت وحدت می‌گراید، خدا بعنوان ایده خیر، موجودی متعالی است که سرنوشت و مبنای قانونگذاری در زندگی فردی و اجتماعی انسان قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: یونان، هومر، سقراط، افلاطون، خدا، انسان

* * *

مقدمه

تصور انسانها از خدا و رابطه انسان با او، از جمله مسائلی است که از دیرباز ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. بر این اساس، برای شناخت تفکر یونانی بسبب ضرورت رابطه تاریخی ایرانیان و یونانیان، قبل از هر چیز باید به شناخت یونانیان از خدا و نوع رابطه با انسان پرداخت.

این تصور در تفکر یونانی همیشه یکسان نبوده و در دوره‌های مختلف و از منظر متفکران مختلف، متفاوت بوده است به طوری که در مورد خدا و رابطه انسان با او از منظر هومر و افلاطون تفاوت‌های بارزی وجود دارد. نوشتار حاضر با تمرکز بر این مسئله،^{۱۰۴} به بررسی نوع نگاه یونانیان باستان به خدا و رابطه انسان با او پرداخته است.

بر این اساس به بررسی سیر تاریخی تفکر یونانی در باب خدا و رابطه آن با رفتارهای انسانی پرداخته شده است و برای فهم این مسئله، سه متفکر یونان کلاسیک یعنی هومر، سقراط و افلاطون مورد توجه قرار گرفته و دیدگاه آنها در